



## تأیید حکم اعدام آیت‌الله نمر

### تیترو

گفتاری مهم از آیت‌الله شهید دکتر بهشتی در مذمت دروغ

## مگر می‌شود جامعه را بر محور دروغ تا آخر پیش برد؟



بسیاری در جمهوری اسلامی وقتی می‌خواهند الگوی سیاستمداری دینمدارانه را معرفی کنند، آیت‌الله شهید دکتر بهشتی را معرفی می‌کنند؛ شخصیتی که ارزش‌های اخلاقی را در فعالیت‌های سیاسی اصیل می‌دانست و آنها را یک تاکتیک صرف تلقی نمی‌کرد. جمله معروف ایشان که «ما شیفتگان خدمتیم نه تشنگان قدرت» اصل را بر خدمت می‌داند و حاضر نیست برای رسیدن به قدرت از هر ابزار و وسیله‌ای بهره جوید. یکی از تاریخی‌ترین سخنرانی‌های شهید بهشتی که به نظر می‌رسد مکتوب نشده است، سخنرانی ایشان درباره «دروغ‌گویی» است. گناه کبیره‌ای که برخی این روزها آن را ابزار توجیه سیاست‌های خود قرار داده‌اند. چندی پیش هم یکی از سیاستمداران جریان مدعی اخلاق به خود شهید بهشتی یک «دروغ» را نسبت داد که البته بلافاصله توسط یکی از دختران این شهید بزرگ انقلاب تکذیب شد. آنچه در ذیل می‌آید بخشی از آن سخنرانی است.

\*\*\*

موضع ما در مسائل اخلاقی و ارزش‌های اخلاقی این است که ارزش‌های اخلاقی اصلند، وسیله نیستند. وقتی می‌گوییم اسلام دین صدق و راستی است، یعنی جان من اصلاً دروغ نگو، اگر هم مجبور شدم و گفتم دروغ مصلحت‌آمیز است، ۱۰۰ روز یکی یا سالی یکی، نه ساعتی تا ۱۰۰ تا دروغ تاکتیکی!

نمی‌شود آقا! باید این گسره را، این فرد آن دسته را، آن تشکیلات را اقتدر باید درباره‌اش در جامعه دروغ بسازیم و بگوییم که از اعتبار بیفتد! خدا هم می‌داند که چه وعده داده است؟! خدا گفته است: ای آمیزدا! در راه من باش، من با تو هستم.

من در ماه فروردین، از اینجا با ماشین رفتم تا کرمان و بندرعباس، در هرجا، در راه، در روستا، در شهر، در قهوه‌خانه، در رفسنجان و کرمان و بندرعباس که سخنرانی داشتیم، همه جا دیدیم، مهر مردم است و شوق مردم است و اعتماد مردم. یعنی ای شایعه‌ساز دروغ‌پرداز! می‌دانم دروغ می‌گویی. آمردم شعر می‌دهند: درود بر بهشتی! مگر می‌شود یک جامعه‌ای را بر محور دروغ تا آخر پیش برد؟ عزیز من! از در راستی دری، دروغ را به کناری بینه.

همین نوجوان‌ها و جوان‌ها که گهگاه فریب دروغ امروز را می‌خورند همیشه در این حال نمی‌مانند. فردا، ساعت دیگر، روز دیگر، هفته دیگر، ماه دیگر، سال دیگر بالاخره بیدار می‌شوند و بر تو لعن و نفرین می‌فرستند که چرا ماها یا سال‌ها آنها را فریفته بودی؟!

ما معتقدیم راستی تاکتیک نیست، راستی اخلاقی است؛ هر عیب و نقصی هم در خودمان هست می‌تیم راست به مردم می‌گوییم. اشتباهی هم اگر بکنیم می‌آییم راست به مردم می‌گوییم. مسلمان بیش از هر چیز در راستی و درستی در صدق و امانت و صراحت... متجلی می‌شود. بنابراین این دروغ تاکتیکی گفتن... شایعه‌سازی و دروغ‌پردازی؛ اینها جزو تاکتیک‌های مسلمانان علوی نیست. دروغ‌پردازها بلدند تا وقتی ما یک چنین موضع و رابطه‌ای را با مردم قهرمان و با ایمان‌مان داریم، آن دروغ‌زنی‌های آنها بازارش کساد است.

بازگشت همه به سوی اوست

برادر ارجمند

### جناب آقای هادی قبادی

درگذشت پدر گرامی‌تان برادر ۳ شهید بزرگوار راه‌به‌شما و خانواده محترم تسلیت گفته؛ برای آن مرحوم آمرزش و برای شما و بازماندگان صبر و اجر مسألت داریم

وطن امروز

## آیا نامه روحانی خسارات جبران‌ناپذیر برجام را تثبیت می‌کند؟

# خدا حافظ لغو تحریم‌ها!



**سیدعابدین نورالدینی:** نامه رهبر انقلاب به رئیس‌جمهور و اجازه مشروط ایشان برای اجرای برجام از چند جهت دارای اهمیت بود. ایشان با قدردانی از همه عوامل، از دولت، تیم مذاکره‌کننده، نمایندگان مجلس، شورایی امنیت ملی و همچنین مطبوعات منتقد، یک دستورالعمل نهایی برای اجرای برجام ابلاغ کردند. رهبر انقلاب در واقع اراده و اجماع داخلی نظام را تجمیع و آنگاه با برشمردن الزامات برجام، این اراده را برای دوره اجرای این سند بین‌المللی جهت‌دهی کردند. این نخستین برآورد ناظران داخلی از نامه رهبر انقلاب به حسن روحانی بود. آنچه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در قالب ۹ السزام برجام به آقای روحانی ابلاغ کردند، در حقیقت مختصات یک بسته ویژه برای استفاده بهینه از این توافق بود. ضمن اینکه این الزامات، از عالی‌ترین جایگاه در نظام جمهوری اسلامی و به منزله یک ابلاغ بالادستی درباره ضروریات اجرای برجام بود.

به گزارش «وطن امروز»، در میانه الزامات نه‌گانه‌ای که رهبر معظم انقلاب به موصوبه شورایی امنیت ملی افزودند، موضوعات فنی بخوبی مورد اشاره قرار گرفت. بویژه درباره رآکتور اراک و همچنین موضوع تبادل سوخت با روس‌ها، هدف‌گذاری ایشان منطبق بر یک توافق معقول بوده است. با ابلاغ رهبری، تعهدات ایران در حوزه بازطراحی رآکتور اراک و نیز کاهش ذخایر اورانیوم غنی‌شده، مشروط به پایان بهانه‌ای به نام PMDA است. موضوع PMDA یا همان ابعاد احتمالی نظامی، با نمونه‌برداری و بازدید بویکسا آمانو از پارچین، تقریباً باید تمام‌شده تلقی شود. اما برخی نگرانی‌ها وجود دارد که آمریکایی‌ها هرگز حاضر به بستن شدن این پرونده و در نتیجه بستن شدن یک ابزار فشار به ایران نخواهند شد. اکنون در موعد اجرای برجام شرایط بسیار مساعدی است تا این اهرم از آمریکایی‌ها گرفته شود، یعنی در صورت مشاهده بهانه‌جویی آمریکایی‌ها و باز ماندن پرونده ابعاد احتمالی نظامی، تعهدات ایران در اراک و نیز ذخایر اورانیوم غنی‌شده، معطل خواهد ماند. در واقع این یک رویارویی برابر است، چراکه طرف مقابل در مقابل یک هزینه و فایده قرار می‌دهد. در این حالت آیا اجرای تعهدات ایران در برجام برای آمریکایی‌ها پرفایده خواهد بود یا باز گذاشتن پرونده PMD و شکست مذاکرات هسته‌ای؟

در کنار این شرط، موضوع انتقال ذخایر اورانیوم غنی‌شده نیز یکی از الزامات بسیار مهمی است که در نامه رهبری به آن اشاره شده است. تعهد ایران به کاهش ذخایر اورانیوم خود، چه از طریق تبادل سوخت باشد و چه از طریق آکسید کردن این ذخایر، باید در یک زمان‌بندی مشخص و منطبق بر منافع ملی باشد. در واقع برای این تعهد ایران باید یک مدالیته در نظر گرفت. این البته تجربه‌ای است که در سال ۱۳۸۹ ایران به آن رسید، البته نظام در همان برهه نیز برای انتقال ذخایر اورانیوم کمتر غنی‌شده خود، این شرط اساسی را در مذاکرات استفاده کرد و پای آن نیز ایستاد.

**اما حفره‌های تحریم**

اما شاید مهم‌ترین رکن نامه رهبر انقلاب برای اجرای مشروط برجام، مربوط به موضوع لغو تحریم‌ها باشد. رهبر انقلاب نخستین الزامات نه‌گانه دولت در دوره اجرائی برجام را به موضوع لغو تحریم‌ها اختصاص دادند: «اولاً از آنجا که پذیرش مذاکرات از سوی ایران اساساً با هدف لغو تحریم‌های ظالمانه اقتصادی و مالی صورت گرفته است و اجرائی شدن آن در برجام به بعد از اقدام‌های ایران موکل شده، لازم است تضمین‌های قوی و کافی برای جلوگیری از تخلف طرف‌های مقابل، تدارک دیده شود که از جمله آن اعلام کتبی رئیس‌جمهور آمریکا و اتحادیه اروپایی مبنی بر لغو تحریم‌هاست. در اعلام اتحادیه اروپایی و رئیس‌جمهور آمریکا، باید تصریح شود این تحریم‌ها به کلی برداشته شده است. هرگونه اظهاری مبنی بر اینکه ساختار تحریم‌ها باقی خواهد ماند، به منزله نقض برجام است».

ثانیاً در سراسر دوره ۸ ساله، وضع هر گونه تحریم در هر سطح و به هر بهانه‌ای (از جمله بهانه‌های تکراری و خودساخته تروریسم و حقوق بشر) توسط هر یک از کشورهای طرف مذاکرات، نقض برجام محسوب خواهد شد و دولت موظف است طبق بند ۳ مصوبه مجلس، اقدام‌های لازم را انجام دهد و فعالیت‌های طرف مقابل از حفره‌های برجام است.

این الزام به وضوح نشان می‌دهد موضوع «لغو تحریم‌ها» در برجام تضمین نشده است یعنی نبود تضمین لازم برای هدف اصلی مذاکرات که همان لغو همه تحریم‌ها بود، باعث ابطال این ۲ الزام در نامه رهبر انقلاب شده است. ضمن اینکه در این ۲ بند، برای اخذ تضمین لغو تحریم‌ها در دوره زمانی اجرائی برجام، تلاش شده است. تعهد کتبی طرف مقابل به لغو تحریم‌ها و نیز هشدار در صورت تکرار ادعای باقی ماندن ساختار تحریم و همچنین مسدود کردن حفره‌های حقوق بشر و تروریسم برای اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران، در واقع یک اهرم قانونی برای جلوگیری از سوءاستفاده‌ها و شیطنت‌های طرف مقابل از حفره‌های برجام است. متأسفانه این یک واقعیت است که برجام ضمانت لغو تحریم ندارد، یعنی به‌رغم آنکه هدف مذاکرات هسته‌ای و مطالبه مردم از این مذاکرات لغو تحریم‌ها بود اما تیم مذاکره‌کننده ایرانی سندی را به ایران آورد که در آن تضمینی برای لغو همه تحریم‌های هسته‌ای علیه ایران در آن وجود ندارد. در برجام، تعلیق و توقف تحریم‌ها به جای لغو آنها درج شده است و این موضوع در بیانیه باراک اوباما،

رئیس‌جمهور آمریکا و اطلاعیه اتحادیه اروپا برای اجرای برجام نیز به وضوح دیده شد. رئیس‌جمهور آمریکا منطبق بر تعهدات این کشور در برجام، یادداشتی که پایگاه اینترنتی کاخ سفید منتشر کرد درباره تحریم‌ها علیه کشورمان از واژه «Waiver» استفاده کرد که به معنای چشم‌پوشی از حق و به نوعی توقف موقت در اجرائی است. این در حالی است که باراک اوباما از واژگانی مانند «REMOVE» و «LIFTING» - به معنای برداشتن و حتی «SUSPEND» - به معنای تعلیق نیز استفاده نکرده است. با توجه به معنای واژه «Waiver» این بدان معناست که اوباما تحریم‌ها را حق خود می‌داند و موقتاً از آن صرف‌نظر کرده است.

اوباما در این بیانیه تصریح کرد تعهدات آنها مبتنی بر برجام است و در برجام نیز تعهدی مبنی بر لغو تحریم‌های آمریکا به چشم نمی‌خورد. همین موضوع باعث شد طرف مقابل این ادعا را مطرح کند که آنها در برجام به اهداف خود که توقف و به عقب بردن برنامه هسته‌ای ایران بود رسیدند اما ایران به هدف خود که لغو تحریم‌ها بود، نرسید. آنها برای اثبات این ادعا بارها این اظهار نظر را مطرح کرده‌اند که «ساختار تحریم‌ها باقی مانده است». در کنار وندی شرمن، سرپرست تیم مذاکره‌کننده آمریکا در مذاکرات هسته‌ای، جان کری نیز بارها در توجیه موفقیت برجام خطاب به منتقدان بویژه سناتورهای جمهوری خواه این اظهار نظر را تکرار کرد که راه اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران در برجام باز گذاشته شده است و کنگره می‌تواند به بهانه‌های حقوق بشر و مبارزه با تروریسم، تحریم‌های جدید علیه ایران تصویب و اعمال کند. این واقعیت در واقع ماهیت مذاکرات هسته‌ای و هدف ایران از حقوق هسته‌ای خود عقب‌نشینی کرد اما در عمل نه تحریم‌ها لغو شد و نه بهانه‌های آمریکا برای اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران از او گرفته شد.

با توجه به این شرایط، رهبر انقلاب با ابلاغ الزامات مربوط به لغو تحریم‌ها، یک اهرم قانونی برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های طرف مقابل در دوره اجرائی برجام در اختیار دولت قرار دادند. اهرمی که دولت به کمک آن می‌تواند استفاده حداکثری را در دوره اجرائی برجام و در موضوع برداشته شدن تحریم‌ها و انسداد مجاری اعمال تحریم‌های جدید ببرد.

و قاعدتاً با ابلاغ این موارد در نامه رهبر انقلاب - عالی‌ترین جایگاه در نظام جمهوری اسلامی - برای موضوع لغو تحریم‌ها در برجام، باز هم طرف مقابل در مقابل همان فرمول هزینه و فایده میان اجرائی تعهدات ایران در برجام و سوءاستفاده از حفره‌های برجام درباره لغو تحریم‌ها قرار داده می‌شود. قطعاً در این شرایط، آورده دولت در دوره اجرائی برجام بسیار بیشتر از آن چیزی است که دولت با اجرای برجام تصور آن را داشت.

در واقع ابلاغ الزامات اجرائی برجام توسط رهبری، اجرائی تعهدات ایران در برجام را در چارچوب منافع ملی هدفمند و یک چشم‌انداز ملی برای تحقق اهداف این سند ترسیم کرد. تشکیل هیات نظارت بر این سند نیز برای رصد و ارزیابی اقدامات ایران و میزان تحقق اهداف بوده است و «LIFTING» - به معنای برداشتن و حتی «SUSPEND» - به معنای تعلیق نیز استفاده نکرده است. با توجه به معنای واژه «Waiver» این بدان معناست که اوباما تحریم‌ها را حق خود می‌داند و موقتاً از آن صرف‌نظر کرده است.

اوباما در این بیانیه تصریح کرد تعهدات آنها مبتنی بر برجام است و در برجام نیز تعهدی مبنی بر لغو تحریم‌های آمریکا به چشم نمی‌خورد. همین موضوع باعث شد طرف مقابل این ادعا را مطرح کند که آنها در برجام به اهداف خود که توقف و به عقب بردن برنامه هسته‌ای ایران بود رسیدند اما ایران به هدف خود که لغو تحریم‌ها بود، نرسید. آنها برای اثبات این ادعا بارها این اظهار نظر را مطرح کرده‌اند که «ساختار تحریم‌ها باقی مانده است». در کنار وندی شرمن، سرپرست تیم مذاکره‌کننده آمریکا در مذاکرات هسته‌ای، جان کری نیز بارها در توجیه موفقیت برجام خطاب به منتقدان بویژه سناتورهای جمهوری خواه این اظهار نظر را تکرار کرد که راه اعمال تحریم‌های جدید علیه ایران در برجام باز گذاشته شده است و کنگره می‌تواند به بهانه‌های حقوق بشر و مبارزه با تروریسم، تحریم‌های جدید علیه ایران تصویب و اعمال کند. این واقعیت در واقع ماهیت مذاکرات هسته‌ای و هدف ایران از حقوق هسته‌ای خود عقب‌نشینی کرد اما در عمل نه تحریم‌ها لغو شد و نه بهانه‌های آمریکا برای اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران از او گرفته شد.

با توجه به این شرایط، رهبر انقلاب با ابلاغ الزامات مربوط به لغو تحریم‌ها، یک اهرم قانونی برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های طرف مقابل در دوره اجرائی برجام در اختیار دولت قرار دادند. اهرمی که دولت به کمک آن می‌تواند استفاده حداکثری را در دوره اجرائی برجام و در موضوع برداشته شدن تحریم‌ها و انسداد مجاری اعمال تحریم‌های جدید ببرد.

و قاعدتاً با ابلاغ این موارد در نامه رهبر انقلاب - عالی‌ترین جایگاه در نظام جمهوری اسلامی - برای موضوع لغو تحریم‌ها در برجام، باز هم طرف مقابل در مقابل همان فرمول هزینه و فایده میان اجرائی تعهدات ایران در برجام و سوءاستفاده از حفره‌های برجام درباره لغو تحریم‌ها قرار داده می‌شود. قطعاً در این شرایط، آورده دولت در دوره اجرائی برجام بسیار بیشتر از آن چیزی است که دولت با اجرای برجام تصور آن را داشت.

### گفتار میهمان

## هشدار که سعی در پنهان کردن آن دارند!

دکتر ابراهیم رزاقی \*

مهم‌ترین خبر اقتصادی در یک ماه اخیر نامه هشدارآمیز ۴ وزیر دولت به رئیس‌جمهور محترم است که در این نامه، وزرا به رئیس‌جمهور یادآور شده‌اند اگر وضعیت اقتصادی و تصمیمات نادرست بخش‌های مختلف دولت ادامه یابد، رکود اقتصادی به بحران تبدیل می‌شود. این وزرا از دست‌اندرکاران و اداره‌کنندگان عملیات اقتصاد کشور هستند و اگر متوجه جهات و اثرات این سیاست‌های نادرست اقتصادی در گذشته بودند باید از آنها پرسید چرا از اول اعتراض نکردند و گذاشتند شرایط به این وضع برسد.

اکنون به نظر می‌رسد این وزرا نسبت به آینده احساس خطر کرده‌اند، چرا که رئیس‌جمهور تمام تخم‌مرغ‌هایش را نه در سبد غرب بلکه در سبد آمریکا چیده است. ایشان همه چیز را مبتنی بر تحریم و لغو آن می‌دانند.

این ۴ وزیر نسبت به وقوع یک بحران هشدار داده‌اند اما فاجعه واقعی زمانی به وقوع می‌پیوندد که سیاست‌های لیبرالی پیگیری شود. فاجعه و بحران اقتصاد فقط در بورس نیست، بورس هم فقط محدود به مواد خام و پتروشیمی‌ها نیست. مساله مهم این است که در شرایط فعلی مردم به بورس و بانک‌ها اعتماد ندارند. مردم به رقم بالای سود بانکی اعتراض دارند، همچنین خود ساختار بورس هم خالی از اشکال نیست و در خروجی آن فقط سرمایه‌دارهای کلان باقی می‌مانند و افراد عادی عمدتاً متضرر هستند.

اگر نگاهی به محتوای نامه داشته باشیم، باید گفت موضوع محوری نامه منتشر شده، «بحران رکود» است که رئیس‌جمهور حدود یک سال پیش گفته بود از آن عبور کرده‌ایم! (در میان این نامه می‌توان ردپای سیاست‌های پولی ۲ سال گذشته را عامل رکود اقتصادی دانست.

پیش از انتشار این نامه نیز روشن بود وضعیت کنونی تولید و چرخه معیوب آن از عدم خروج اقتصاد کشور از رکود حکایت دارد. شاید بتوان عدم رونق تولید را مهم‌ترین عامل رکود دانست، زیرا خروج از چنین شرایطی تنها زمانی ممکن است که چرخ بازار به گردش درآمده، تولیدکنندگان محصولات خود را تولید کنند و حاصل کار یا در داخل مصرف یا صادر شود. رفع مشکلات سرمایه‌گذاری واقعی در تولید که افت شاخص بورس از نشانه‌های آن به شمار می‌آید نیز از دیگر عوامل خروج از رکود است اما آنچه از شواهد برمی‌آید، به‌کارگیری نقدینگی در بخش‌های غیرمولد مانند خرید و فروش سکه و ارز است.

در ۲ سال گذشته مسؤولان برخی تعاریف و مفاهیم اقتصادی را تغییر داده‌اند، زیرا اگر تنها یک بخش اقتصادی از رکود خارج شده باشد به معنای تعمیم آن به کل اقتصاد نیست. در واقع خروج اقتصاد از رکود به رشد اشتغال و کاهش نرخ بیکاری بستگی دارد که هم‌اکنون چنین آثاری - حتی اگر رئیس‌جمهور مدعی آن باشد - در اقتصاد کشور مشاهده نمی‌شود.

اکنون متأسفانه سرمایه‌گذاران به بخش‌های تولیدی بی‌ رغبتند، اعتبار بانک‌ها بدون نظارت و در بخش‌های غیرتولیدی و فسادآلود هزینه می‌شود و آمارها نشان می‌دهد وضعیت بیکاری در کشور بسیار نگران‌کننده است. پیش از این بسیار شنیده می‌شد دانه‌درشت‌ها از بانک‌ها وام دریافت می‌کنند و آن را در بخش‌های کاذب و دلالی به کار می‌برند اما اکنون می‌بینیم خود بانک‌ها عهده‌دار این امور شده‌اند. گویا وظیفه آنها امری ورای حمایت از تولیدکننده است.

سرو سامان دادن به اخذ مالیات با فعالیت‌های غیرتولیدی از جمله اقدامات لازم‌الاجرا و راهکار علاج در شرایط کنونی است. اکثر کشورهای پیشرفته درآمدهای خود را از طریق اخذ مالیات تأمین می‌کنند در حالی که در کشور ما، بر ضررترین بخش برای اقتصاد و کشور، همان دلالی است که بیشترین سود را بدون پرداخت مالیات عاید خود می‌کند. از سوی دیگر، دشمنان ما اجازه تضعیف کالاهای داخلی خود را به وسیله صدور مجوز برای ورود کالا نمی‌دهند و جای تعجب است که هنوز در کشور، برنامه‌ای مشخص برای سرپا نگه داشتن تولیدکننده داخلی تدوین نشده است.